

ای آواره عبدالبهاء بعضی از مکاتیب شما رسید و جواب مرقوم گردید ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۰۷

هو الله

ای آواره عبدالبهاء بعضی از مکاتیب شما رسید و جواب مرقوم گردید عجیب است که نرسیده حال مکتوبی که بجناب میرزا محسن مرقوم نموده بودید مطالبش جواب مرقوم میگردد فی الحقیقه در این ایام در جمیع اقالیم استعداد غریبی رخ نموده تا تعالیم الهی استماع نمایند و بحقیقت پی برند ولی مبلغ قلیل امیدم چنانست که شما محفل درس تبلیغ در طهران تأسیس نمائید و مانند صدرالصدور خلدآشیان مقرب درگاه کبریا بتعلیم جوانان برارنده و نورسیدگان جنت ابدی پردازید این قضیه نتیجه عظیمه بخشد و چون بر تبلیغ همتی دارید و آلودگی چندان ندارید در اطراف بخدمت امر الله اشتبار یافته‌اید لهذا از هر طرف شما را طالب و حضورتانرا آرزو مینمایند ولی حال در طهران وجود شما بسیار لازم تا در خانه جناب باقراف طالبانرا تبلیغ و حاضران را تشویق نمائید زیرا محل آمد و شد نفوس مهمه هست این بسیار مهم است و در منزل احباً و محفل خواصان حق حاضر شده با وضع و شریف بطرز لطیف صحبت و تبلیغ نمائید و بقدر قوه احباً را ترغیب و تحریر تبلیغ کنید که این فرصت را از دست ندهند و این موهبت را غنیمت شمرند همیشه چنین فرصتی بدست نیاید از انقلابات شدیده نفوس استعدادی فوق العاده حاصل نمودند چون این انقلابات فراموش شود این استعداد نماند

محفل عظیمی که در عراق در ایام رضوان ترتیب شد فی الحقیقه انجمن رحمانی بود و مجمع ربّانی و این بهمت امیر جنگ بختیار محفوظ و مصون ماند امیدوارم که بخت یار گردد و بزرگوار شود و مقبول درگاه پروردگار و پیدر پاک گهر ایشان در پاریس نهایت محبت و الفت حاصل شد اکثر اوقات بدیدن من میآمدند و میگفتند که من لر هستم بعض مسائل دقیقه را تصور نمی‌توانم ولیکن این امر فی الحقیقه سبب نخر و عزّت ایرانیاست و من جمال مبارک را دوست دارم حال از الطاف بی‌پایان عون و عنایت از برای خیر خلف و عفو و مغفرت از برای سلف محترم خواهم و همچنین امیر معتمد را الطاف خداوند جویم تا در دو جهان کامران گردد و تأسیس آنمحفل نورانی و انجمن نورانی بهمت حضرت قائممقامی بود زیرا ایشان عراق را رونق داده‌اند امیدوارم جناب آقا میرزا عبدالله و جناب آقا میرزا مهدیخان مترجم الرحمن



ORIGINAL

و حضرت ملیک المخلصین سلطان السّادات و جناب زرگراف و جناب آقا میرزا عبدالمحید یزدی و احبّای کلیمی کلاً
بتمام قوّت قیام بر نشر نفحات نمایند

تاریخ حاجی میرزا جانی از اصل گراف زیراً مقام حضرت قدّوس را فوق مقام حضرت اعلی دانسته و خویش را از نقاط
مقدّسه شناخته در مقابل نقطه اولی نقطه کاف شمرده از ملاحظه نفس تاریخ معلوم میگردد که بی‌پا و بر حسب
احساسات خویش نوشته و این فقره کفایت مینماید که اساس مجاز است نه حقیقت و از این گذشته محرّف و در کتابی
که از رؤس مسائل یادداشت ابی الفضائل است مرقومست این قضیه مفصّل

و امّا تاریخ آنجناب چون تغییر کلی در آن داده‌اید و در انشاء و تعلیق احسن از نسخه اولی است و در صدد تکمیل آن
هستید این نسخه ثانیه را ارسال دارید تا فوراً ملاحظه گردد باحبّای اصفهان و کاشان و گیلان و آذربایجان و گلپایگان و
همدان و فراهان و امزجرد و کرمانشاه و نجف آباد و یزد و تفت از قبل عبدالبهاء تحیّت ابدع ابی ابلاغ دارید که شب و
روز بذکر آنان مشغول و پیادشان مألوفم و از درگاه احدیّت جمیع را عون و عنایت طلبم و قیام بر تبلیغ و هدایت جویم تا
هریک چون جام لبریز از صهبای هدی شورانگیز گردند و بآهنگ عاشقانه و نغمه مشتاقانه و ترانه مستانه آفاقرا باهتر از
آرند

ربّ و رجائی و ملجئ و منائی انّی اکبّ بوجهی علی التّراب و امرّغ جبینی بعتبة قدسک یا ربّ الآیات الباهرات ان
تضیء القلوب بأنوار حبّک فیذه الأیام الّتی تلوح و تضیء بنور الميثاق فی کبد الآفاق حتّی یهدوا النّاس الی صراطک
المستقیم و یثبّوا تعالیمک فی المنهج القویم و ینشروا آثارک فی تلك الأقالیم و ینوروا الأبصار بسطوع الأنوار و یلتذّ الآذان
بإستماع الحجّة و البرهان و ینشرح الصّدور بالفیض الموفور و تطیب القلوب بکشف الکروب و تترنّج الأرواح بإراح الأفرح و
ینتشر الآثار فی کلّ الأقطار انّک انت القویّ القدير و انّک انت الکریم الوهاب و علی الأحبّاء التّحیّة و الثّناء من
عبدالبهاء

عبدالبهاء عباس

۱۷ ذیقعدہ ۱۳۳۷